پژوهشگر حوزه مهدویت:

مشکل اصلی استکبار و صهیونیسم با ایران، عقیده مبتنی‌بر مهدویت است

تحقق اهداف عاشورا با قیام بقیه‌الله علیه‌السلام

سپهرغرب، گروه اندیشه – سمیرا گمار: پژوهشگر حوزه مهدویت گفت: بررسی‌ها و دلایل مستند نشان می‌دهد که مشکل اصلی استکبار و صهیونیسم با عقیده شیعه، مبتنی‌بر مهدویت است.

بنا بر تصریح روایات و سخنان برجای مانده از ائمه معصوم علیهم‌السلام، بین امام‌حسین(ع) و فرزندشان حضرت مهدی(عج) شباهت‌هایی در هدف، آرمان و کیفیت قیام شباهت‌هایی وجود دارد که دانستن آن‌ها می‌تواند به ما در تشخیص حق از باطل کمک کند. پس می‌توان با آنچه به استناد سخنان معصومان و گواه تاریخ در مورد حضرت اباعبدالله علیه‌السلام آمده در شناخت حضرت مهدی(عج) کوشید و برای ظهور آخرین ذخیره الهی زمینه‌سازی کرد.

با توجه سلسله گزارش‌های سپهرغرب درخصوص مهدویت و به‌مناسبت فرا رسیدن اربعین حسینی کوشیده‌ایم در این نوشتار به برخی از شباهت‌های میان حضرت سیدالشهدا(ع) و حضرت ولیعصر(عج) بپردازیم.

آنچه می‌خوانید گفت‌وگوی خبرنگار سپهرغرب با حجت‌الاسلام‌والمسلمین سعید شیری؛ معاون نهاد رهبری دانشگاه ملایر و مولف و محقق حوزه مهدویت در این خصوص است که در ادامه می‌آید:

امام‌مهدی(عج) و امام‌حسین(ع) بیشترین ارتباط را با یکدیگر دارند

معاون نهاد رهبری دانشگاه ملایر با اشاره به شباهت‌های امام‌حسین(ع) و حضرت مهدی(عج) گفت: همه موجودات عالم با هم در ارتباط هستند و قوی‌ترین ارتباط‌ها بین خدا و اهل‌بیت است، از میان اهل‌بیت علیهم‌السلام نیز امام‌مهدی(عج) و امام‌حسین(ع) بیشترین ارتباط را با یکدیگر دارند.

حضرت مهدی(عج) از نسل امام‌حسین(ع) و تکمیل‌کننده قیام اوست

حجت‌الاسلام سعید شیری در ادامه افزود: بیش از ۳۰۰ روایت وجود دارد که حضرت مهدی(عج) از نسل امام‌حسین(ع) و تکمیل‌کننده سفر و قیام حضرت است. به این معنی که امام‌حسین(ع) قصد داشت به کوفه عزیمت کرده و حکومت کند که با شهادت حضرت اتفاق نیفتاد، اما حضرت حجت(عج) این کار ناتمام را به اتمام رسانده و بعد از ظهور، کوفه مرکز خلافت و حکومت ایشان خواهد بود.

روز قیام حضرت مهدی(عج) عاشورا خواهد بود

وی خاطرنشان کرد: یکی از شباهت‌ها و ارتباط‌های میان امام حسین(ع) و حضرت حجت(عج) این است که روز قیام حضرت مهدی(عج) عاشورا خواهد بود. دقت کنید که قیام با ظهور متفاوت است، ظهور حضرت در روز جمعه و به محتمل‌ترین گمان، ۲۳ ماه رمضان خواهد بود و قیام حضرت در روز عاشورا اتفاق خواهد افتاد، نظیر همان چیزی که برای سیدالشهدا(ع) رخ داد.

*شعار یاران مهدی(عج)، یا لثارات‌الحسین است

مؤلف کتاب «منجی‌گرایی در عرفان‌های نوظهور» با اشاره به اینکه شعار یاران مهدی(عج) یا لثارات‌الحسین است، تصریح کرد: امام‌زمان(عج) هنگام ظهور، خود را با امام‌حسین (ع) به مردم می‌شناساند؛به این ترتیب که با تکیه بر خانه کعبه ندا می‌دهد «اَلا یا اَهلَ العالَمِ اِنَّ جَدِّی الحُسَینُ قُتلوهُ عَطشاناً»، ای اهل عالم! جد من حسین را با کام تشنه، به شهادت رساندند.

اربعین؛ مانور شناخت حضرت مهدی(عج)

حجت‌الاسلام شیری ادامه داد: بر این اساس یکی از مصادیق بازر شناخت حضرت مهدی(عج) جهانی شدن پیاده‌روی اربعین است؛ اتفاقی که به‌ویژه طی چندسال اخیر پررنگ‌تر شده و خیزش جهانی که در ابعین رخ می‌دهد و بهترین قرینه برای شناخت امام‌زمان(عج) با محوریت سیدالشهدا (ع) است.

در ادعیه و آداب زیارت هرجا متعلق به امام‌حسین(ع) است، از امام‌زمان(عج) نیز یاد می‌شود و بالعکس

وی به ادعیه و زیارات مشهور درخصوص امام‌حسین(ع) و حضرت حجت(عج) نیز اشاره و تشریح کرد: ارتباط امام‌زمان و امام‌حسین علیهماالسلام در اعمال و آداب ادعیه و زیارت هم بسیار زیاد است و این دو معصوم به‌واسطه هم شناخته و معرفی می‌شوند. برای مثال وقتی در زیارت عاشورا می‌گوییم «مع امام منصور»، امام منصور وجود مبارک امام‌زمان(عج) است. یا وقتی در دعای ندبه، بعد از اَینَ الحَسَنُ و اَینَ الحُسَینُ می‌گوییم اَینَ الطّالِبُ بِدَمِ المَقتولِ بِکَربَلا، خونخواه امام‌حسین(ع) را جست‌وجو می‌کنیم.

مؤلف کتاب «عهد انتظار» یادآوری کرد: نکته بعد اینکه در زیر قبه امام‌حسین(ع) مستحب‌ترین عمل، خواندن دعای فرج است. از دیگر سو در شب قدر که فرموده است «تَنَزَّلُ المَلائِکَهُ وَ الرُّوحُ»، روح به قلب مبارک امام‌زمان(عج) نازل می‌شود، مستحب‌ترین عمل خواندن زیارت عاشورا است. با نگاهی به این ادعیه و آداب زیارت درمی‌یابیم هرجا متعلق به امام‌حسین(ع) است، از امام‌زمان(عج) نیز یاد می‌شود و هرجا متعلق به امام‌زمان(عج) است، امام‌حسین(ع) را نیز یاد می‌کنیم.

نخستین امامی که بعد از امام‌عصر(عج) رجعت می‌کند، امام‌حسین(ع) است

حجت‌الاسلام شیری بیان کرد: امام‌زمان(عج) القاب مبارکی دارند که بعضی از آن‌ها، مستقیماً با «عاشورا» در ارتباط است. از امام‌باقر علیه‌السلام روایت شده که فرموده‌اند: «اَلمَوتورُ بابیهِ» که به گرفتن انتقام خون امام‌حسین(ع) توسط مهدی موعود اشاره دارد.

وی در پایان این بخش از سخنان خود تاکید کرد: براساس روایت نخستین امامی که بعد از امام عصر رجعت می‌کند نیز امام‌حسین(ع) است و می‌بینیم که همه این موارد نشان می‌دهد ارتباط عمیق و عجیبی بین امام‌حسین(ع) و امام‌زمان(عج) وجود دارد.

دشمنان امام‌حسین(ع) و امام‌زمان(عج) یکی هستند

مؤلف کتاب «آخرین منجی» در بخش دوم سخنان خود با تاکیدبر اهمیت دشمن‌شناسی حضرت حجت(عج) بیان کرد: بررسی روایات نشان می‌دهد دشمنان امام‌حسین(ع) و امام‌زمان(عج) یکی هستند، ضمن اینکه باید توجه کرد کسانی که در مقابل حضرت خواهند ایستاد، فقط مربوط به دوران ظهور ایشان نیست، بلکه مربوط به غیبت کبری و مانع‌تراشی آن‌ها برای ظهور نیز هست، به‌طوری که در ادامه عرض خواهم کرد چه برنامه‌ریزی‌های دقیق و پیچیده‌ای برای به‌تعویق انداختن ظهور دارند.

حجت‌الاسلام شیری در ادامه عنوان کرد: در روایتی از امیرمومنان علیه‌السلام نقل شده که فرموده‌اند: کسانی که با پیامبر(ص) مبارزه کردند، با من هم مبارزه کردند و هم آنان در مقابل حسین و نوادگان آن‌ها در مقابل نوادگان حسین خواهند ایستاد؛ یعنی این شجره ملعونه در طول تاریخ درصدد حذف و آسیب رساندن به شجره طیبه امامت و دین خدا هستند.

یهود سردمدار دشمنی با آل‌الله

وی با بیان اینکه در حادثه عاشورا تمام ارزش‌ها و خوبی‌ها در مقابل همه کفر ایستاده بود، اعلام کرد: در زیارت مطلقه امام‌حسین(ع) با سند معتبر به نقل از امام‌صادق(ع) آمده است، یکی از عوامل ایستادن در برابر امام‌حسین(ع) این است که حضرت فرمود «وَ اَشْهَدُ اَنَّ الَّذینَ سَفَکُوا دَمَکَ، وَ اسْتَحَلُّوا حُرْمَتَکَ، مَلْعُونُونَ مُعَذَّبُونَ عَلی لِسانِ داوُدَ وَ عیسَی بْنِ مَرْیَمَ، ذلِکَ بِما عَصَوْا وَ کانُوا یَعْتَدُونَ»؛ و گواهی می‌دهم که حقّاً آنان که خونت را ریختند و حرمت تو را از بین بردند، ملعون و معذب هستند در لسان داوود و سلیمان و این به‌خاطر گناهی است که کردند و مردمی تجاوزکار بودند.

این استاد دانشگاه اضافه کرد: سوال این است چه کسانی توسط حضرت داوود و عیسی‌بن‌مریم (سلام‌الله‌علیهما) لعنت شده‌اند؟ پاسخ این سؤال نه به کنایه، بلکه صراحتاً در آیه شریفه ۷۸ سوره مبارکه مائده، آمده است؛ لُعِنَ الَّذینَ کَفَرُوا مِنْ بَنی إِسْرائیلَ عَلی لِسانِ داوُودَ وَ عیسَی ابْنِ مَرْیَمَ ذلِکَ بِمَا عَصَوْا وَ کانُوا یَعْتَدُونَ؛ کافران از بنی‌اسرائیل به زبان داوود و عیسی‌بن‌مریم لعنت شدند، لعنت شدنشان بدین سبب بود که [از فرمان‌های خدا و پیامبران] سرپیچی کردند، و همواره [از حدود الهی] تجاوز داشتند.

حجت‌الاسلام شیری تاکید کرد: اینکه یهودیان به‌دنبال ترور خاندان نبوت صلوات‌الله علیهم اجمعین ازجمله امام‌حسین(ع) بوده‌اند را می‌توان از این حدیث شریف نبوی که در دوران خردسالی حسنین علیهماالسلام ایراد شده است، فهمید؛ فَإِنِّی خائِفٌ عَلَیْهِمَا مِنْ کَیْدِ الْیَهُود؛ من از مکر یهود نسبت به فرزندانم حسن و حسین(ع) بیمناکم.

وی تصریح کرد: نکته حائز اهمیت دیگر نیز این است که در زیارت عاشورا آمده است؛ تَبَرَّکَت بِهِ بَنِی‌اُمَیَّهَ، چه کسانی روز عاشورا را جشن می‌گیرند؟ بررسی متون نشان می‌دهد یهودیان این روز را در شمار اعیاد خود داخل کرده و یکی از بزرگ‌ترین جشن‌های یهودیان براساس تاریخ قمری جشن عاشور در روز عاشورا است. (جشن‌هایی براساس تاریخ‌های شمسی هم دارند که پوریم از آن نمونه است.)

این محقق و پژوهشگر حوزه مهدویت اذعان کرد: مجموع این موارد نشان می‌دهد از همان ابتدا یهودیان در برابر ائمه و اهداف آنان می‌ایستادند و الان هم برنامه آن‌ها به همین شکل است و از مهم‌ترین فرقه‌هایی هستند که برای ظهور حضرت براساس مستندات و تالیفاتی که از آن‌ها وجود دارد، برنامه‌ریزی دارند.

حجت‌الاسلام شیری ابراز کرد: پرداختن به شخصیت شبث منافق؛ یکی از یهودیان صدر اسلام خالی از لطف نیست. شبث تا آخرین لحظات عمر مبارک پیامبر(ص) ایمان نیاورده بود و در لحظات آخر گفت: من ایمان آوردم. بعد از رحلت پیامبر(ص) که مسیلمه کذاب ادعای نبوت کرد، او فرمانده سپاه مسیلمه شد، اما بعد از اینکه شکست خورد در جنگ با خلیفه اول به عایشه در جنگ جمل پیوست. بعد از آن به علی علیه‌السلام در جنگ صفین پیوست، اما در ماجرای حکمیت در مقابل علی(ع) ایستاد و به خوارج ملحق شد. بعد از آن به امام‌حسن(ع) پیوست و بعد از ایشان به معاویه ملحق شد. بعد از معاویه در زمره کسانی بود که برای امام‌حسین(ع) نامه نوشت که باغ‌های ما پرآب است و آماده هستیم تا با شما بیعت کنیم، اما بعد در مقابل امام‌حسین(ع) می‌ایستد، بعد از شهادت ایشان به مختار ثقفی ملحق می‌شود و با او هم نمی‌ماند، مدتی بعد به زبیریان می‌پیوندد تا در مقابل مختار بایستد و درنهایت هم به‌دست ابن‌حر به هلاکت می‌رسد! این یک نمونه از یهود نفوذی است که در قتل امام‌علی(ع) نقش داشت، چون ابن‌ملجم را به خانه خود راه داد و در شهادت امام‌حسن(ع) نیز دخیل بود، چراکه جعده دختر او بود و در قتل سیدالشهدا(ع) هم که عرض کردم، یکی از آن ۱۰ نفری بود که اسب بر پیکر مطهر امام می‌تازد.

اوانجلیست‌ها همه توان خود را صرف این کرده‌اند که ایران را از بین ببرند

وی در بخش بعدی سخنان خود با تاکیدبر اینکه دشمنان شیعه از ابتدا از یهود بودند، بیان کرد: در حال حاضر نیز اوانجلیست‌ها (صهیونیست‌ها) در مقابل شیعه صف‌آرایی می‌کنند و همه توان خود را صرف این کرده‌اند که ایران را از بین ببرند، حال باید دید مشکل آن‌ها با ایران چیست؟ آیا واقعا انرژی هسته‌ای مسئله است؟ اگر پاسخ مثبت است، این سوال پیش می‌آید که عربستان هم در حال دستیابی به سلاح هسته‌ای است، پس چرا به این کشور حتی بعضاً کمک هم می‌کنند؟!

مشکل اصلی استکبار و صهیونیسم با ایران عقیده مبتنی‌بر مهدویت است

این مولف کتب مهدویت ابراز کرد: بررسی‌ها و دلایل مستند نشان می‌دهد مشکل اصلی استکبار و صهیونیسم با عقیده شیعه، مبتنی‌بر مهدویت است. برای نمونه می‌توان به تیموتی فرنیش اشاره کرد که تحقیقات خود را در زمینه مهدویت اسلامی در کتابی با نام ۱۰ سال دلدادگی با مهدی خواهان جمع‌آوری کرده و در آن کتاب می‌گوید: مهدی(عج) ظهور خواهد کرد، اما منجی ما هم ظهور خواهد کرد و مهدی(عج) در مقابل او خواهد ایستاد.

دشمنان وجود مهدی(عج) را انکار نمی‌کنند، بلکه دور می‌بینند

حجت‌الاسلام شیری تاکید کرد: بر این اساس جالب است که دشمنان وجود مهدی(عج) را انکار نمی‌کنند، بلکه طبق گفته دعای عهد «اِنَّهُم یَرَونَهُ بَعیداً وَ نَراهُ قَریباً»؛ یعنی منکر منجی نیستند، بلکه آن را دور می‌بینند در حالیکه ما نزدیک می‌بینیم.

*تضعیف ایران برای پیشگیری از ظهور

وی بیان کرد: دشمنان مهدی موعود(عج) می‌دانند ایران اسلامی پایگاه تشیع است و خصومت آن‌ها با ایران، این است که معتقدند اگر ایران قوی شود، به یاری حضرت خواهد رفت. آن‌ها می‌گویند طبق روایات متون مقدس ما کسی خواهد آمد که و اگر بخواهیم این ظهور را به‌تعویق بیندازیم، باید ایران را تضعیف کنیم تا او را یاری نکند.

این محقق مهدویت ادامه داد: کتاب دیگری درباره مهدویت به‌نام رهایی هیولا؛ نوشته پری استون یک مسیحی اونجلیکال رادیکال متعصب است که او هم همین عقیده را دارد. استون صاحب یک شبکه است که در ۱۸۰ کشور دنیا مخاطب داشته و به ۸۰ زبان دنیا برنامه تولید می‌کند.

وی یکی از مشاوران ترامپ است که اعلام کرده که ترامپ نماینده خداست و برای مقابله با ظهور برنامه‌ریزی می‌کند.

ایران هسته‌ای؛ یعنی ظهور امام دوازدهم

حجت‌الاسلام شیری افزود: جوئل روزنبرگ؛ نویسنده رمان امام دوازدهم است که می‌گوید: ایران هسته‌ای؛ یعنی ظهور امام دوازدهم و همین است که ایران باید ضعیف بماند.

مارک روبیو؛ نامزد جمهوری‌خواهان و رقیب ترامپ در انتخابات پیشین آمریکا بود که هرجا می‌رفت کتاب امام دوازدهم را با خود می‌برد و شعار او مقابله با مهدی ایرانیان بود!

وی در پایان سخنان خود یادآوری کرد: در مجموع مستندات موجود نشان می‌دهد که مطالعه و تحقیق ایوانجلیست‌ها درباره مهدویت، نشانگر علت مخالفت همه آن‌ها با ایران به‌دلیل اعتقاد به مهدویت بوده و آن‌ها از جهانی‌سازی حکومت مهدی می‌ترسند، چون ما معتقدیم مهدی دنیا را خواهد گرفت. تلاش آن‌ها در سرتاسر دنیا از یمن و عراق تا کشمیر و نیجریه و صدها نقطه عالم برای از بین بردن مسلمانان نیز برای این است که می‌دانند مظلومان عالم از شیعیان در هر نقطه از دنیا، کسانی هستند که برای آمدن حضرت مهدی(عج) زمینه‌سازی خواهند کرد.

آیت‌الله جاودان:

زمین خالی از امام نیست و امام، ارکان بلاد است

سپهرغرب، گروه اندیشه: آیت‌الله جاودان گفت: هر شهر، روستا و هرجایی در عالم انسانی، روی زمین ستونی دارد که با آن ستون پابرجا است که اگر نباشد، نابود می‌شود و امام، ارکان این بلاد است.

آیت‌الله محمدعلی جاودان؛ استاد برجسته اخلاق شهر تهران در جلسه هفتگی درس اخلاق خود که به‌صورت مجازی برگزار شد، با اشاره به اهمیت حضور امام در زمین گفت: از صدر خلقت آدم(ع)، زمانی نیست که عالم خالی از امام باشد.

وی ادامه داد: حضرت آدم(ع) نخستین امام آن زمان بود و تا پایان جهان، امام است و زمین و عالم. جامعه انسانی با بودن امام برقرار است و انسان روی زمین وجود دارد.

این استاد اخلاق وجود امام را از ارکان بلاد دانست و گفت: در ادعیه و زیارات آمده که امام ارکان بلاد است. هر شهر، روستا و هرجایی در عالم انسانی، روی زمین ستونی دارد که با آن ستون پابرجا است که اگر نباشد نابود می‌شود و امام، ارکان این بلاد بوده و این مقام تکوینی ایشان است.

آیت‌الله جاودان امام را شاهد و ناظر اعمال همه انسان‌ها دانست و بیان کرد: ما ائمه(ع) را به‌عنوان شاهد می‌دانیم و آن بزرگواران شاهد اعمال خلایق هستند؛ یعنی اگر امام نباشد، انسانی نیست و جهان انسانی نابود می‌شود. در جنبه تربیتی و تشریعی عالم انسانی، امام شاهد و ناظر بر همه موجودات انسانی است و هیچ‌کس هیچ کاری نمی‌کند، مگر اینکه در محضر امام انجام می‌دهد که اگر انسان این را بفهمد، چقدر فرق می‌کند.

این استاد اخلاق بیان کرد: داستانی نقل است که می‌گویند، یک جوانی بود که خدمت بزرگی می‌رسید و آن بزرگ به وی گفت: شما چقدر قرآن می‌خوانید؟ وی عرض کرد: هرشب یک ختم قرآن انجام می‌دهم. آن بزرگ گفت: از امشب وقتی قرآن می‌خوانی، فکر کن من جلوی تو نشسته‌ام و قرآن بخوان. آن جوان هم شب که داشت قرآن می‌خواند، در تصورش آورد که استادش جلوی او نشسته و قرآن خواند. صبح که استاد از او پرسید دیشب با این تصور چقدر قرآن خواندی؟ عرض کرد: نصف قرآن را بیشتر نتوانستم بخوانم؛ یعنی وقتی مراقبت حضور شما را می‌کردم، نتوانستم بیشتر بخوانم.

وی ادامه داد: این استاد گفت: امشب فکر کن که امام‌زمان(عج) یا خاتم‌الانبیا(ص) در برابرت نشسته و قرآن بخوان. صبح آمد و گفت: یک سوره بیشتر نتوانستم بخوانم، چون این‌قدر عظمت آن حضور را که تصور می‌کردم، زیاد بود که چنین بزرگی در برابر من نشسته است، در من تأثیر گذاشت و من نتوانستم یک سوره بیشتر بخوانم.

این استاد حوزوی افزود: استاد گفت: حالا امشب فکر کن که خدای متعال که نازل‌کننده این قرآن است، در برابر تو نشسته و تو در برابر خدای متعال قرآن بخوان. صبح روز بعد این جوان دیگر اصلاً کلاس درس نیامد و رفتند سراغ او و دیدند فوت کرده است و اصلاً تحمل نکرده در محضر الهی قرآن بخواند.

آیت‌الله جاودان گفت: حالا این داستان است. گفته‌اند که این استاد، یک استاد تمام نبود که اگر بود، این‌قدر او را تندتند جلو نمی‌برد که شب چهارم در محضر الهی باشد، درصورتی که نخست به جوان حضور خودش را می‌گفت و بعد از مدت‌ها که آماده شد و توانست تحمل کند، یک مرتبه بالاتر را می‌گفت.

این استاد اخلاق با اشاره به روایتی درباره اینکه امام‌علی(ع) فرموده‌اند که من خدای ندیده را عبادت نمی‌کنم، گفت: در روایات اهل سنت و شیعه آمده که از امیرالمؤمنین(ع) سوال کردند که آیا خدای خود را دیده‌ای؟ حضرت هم فرمود: من خدایی را که نبینم، عبادت نمی‌کنم. اما متأسفانه برای ما که عبادت می‌کنیم خدا غایب هم نیست، حتی به اندازه یک موجود غایب که ما یادش می‌کنیم، ممکن است نباشد تا چه برسد که ما در محضر او نماز بخوانیم! اصلاً هیچ.

وی ادامه داد: اما حضرت می‌فرماید من خدایی را که نبینم عبادت نمی‌کنم، حالا حضرت در محضر خدا دارد نماز می‌خواند و این شخص چقدر باید بزرگ باشد که چنین بگوید و نماز او چقدر قیمت دارد. این منتهای راه انسان است که به جایی برسد که در محضر خدای تبارک و تعالی عبادت می‌کند و اصلاً زندگی می‌کند.

این استاد اخلاق افزود: این مقامات برای همه مقدور است، ولی مشکل آن آواری است که ما بر سر خود ریخته‌ایم. مثلاً شما زیر یک ساختمان ۱۰۰ طبقه نشسته‌اید و این ساختمان روی شما خراب شده است و فرض زنده ماندید، ولی این آوار ۱۰۰ طبقه روی شما است و شما می‌خواهید نور خورشید را ببینید، اما نمی‌شود.

چرا برخی افراد بعد از قبول مسئولیت، ۱۸۰ درجه تغییر رویه می‌دهند؟

سپهرغرب، گروه اندیشه: رئیس شورای حوزه‌های علمیه تهران با بیان اینکه در روزگار ما نیز بودند و هستند مسئولانی که در مراتب و مناصب مختلف قرار گرفته و به جاهلیت قبل از انقلاب بازگشته‌اند، گفت: وقتی کسی به قدرت کاذب ظاهری، دسترسی پیدا می‌کند، به هنجارشکنی دست می‌زند.

آیت‌الله علی‌اکبر رشاد؛ رئیس شورای حوزه‌های علمیه استان تهران در ابتدای درس خارج فقه زیست فناوری و مهندسی ژنتیک در حوزه علمیه امام‌رضا(ع) تهران با بیان کلام مولای متقیان که فرموده‌اند: «مَنْ نَالَ اسْتَطَالَ»؛ یعنی هر که به قدرت رسد، سرکش و مغرور می‌شود، گفت: امیر حکمت و بلاغت، حضرت علی‌علیه‌السلام در حکمت ۲۰۷ کتاب شریف نهج‌البلاغه به یکی از اصول بسیار مهم روان‌شناسی قدرت؛ البته قدرت ظاهری اشاره فرموده است؛ یعنی کسی که به قدرت، نعمت و مواهبی دسترسی یافته و استطاله کرده، زیاده‌روی، دست‌درازی، سرکشی، طغیان و گردن‌کشی می‌کند. اصولاً قدرت موجب استکبار، عجب و خودبرتربینی می‌شود.

وی در بیان اقسام قدرت گفت: قدرت دو جور است؛ قدرت واقعی و قدرت ظاهری. قدرت صادق و قدرت کاذب. در این کلام امیرالمومنین علیه‌السلام سخن از قدرت ظاهری و قدرت کاذب است، نه قدرت واقعی و قدرت صادق و سالم. چراکه در قدرت واقعی و کسی که حقیقتاً مقتدر می‌شود، اثر آن استطاله، طغیان و گردن‌کشی یا خودبرتربینی و عُجب نیست، بلکه اثر آن معکوس است؛ یعنی اگر قدرت، حقیقی و واقعی باشد، فرد آنچنان نفس قوی، سلیم، متین و موقری پیدا می‌کند که با این بادها نمی‌لرزد، به اینکه قدرتی دارد و اقتداری به‌هم زده، غرور به او دست نمی‌دهد و فریفته نشده و دچار خودبرتربینی نمی‌شود. برعکس اگر قدرت حقیقی و واقعی باشد، انسان را به فروتنی و تواضع وا می‌دارد. قدرت واقعی، حقیقی و سالم و صالح این اثرش را دارد.

آیت‌الله رشاد تاکید کرد: قدرت ظاهری و کاذب به اعجاب و طغیان منجر می‌شود، چون قدرت واقعی نبوده و انسان ضعیف‌النفس، درونش حقیر است، در درون احساس حقارت می‌کند، لذا تا قدرت را به کف می‌آورد، رفتار نابهنجار از او سر می‌زند و به سرکشی و گردن‌کشی دست می‌زند و به اموال و جان دیگران دست‌درازی می‌کند. این خاصیت قدرت کاذب و قدرت ظاهری چون حقیقی نیست و الا اگر کسی قدرت دارد، به کاری که حاکی از ضعف نفس و حقارت باطن است، دست نمی‌زند.

وی ادامه داد: زورگویی و گردن‌کشی نشانه حقارت باطنی بوده و پیداست که این فرد عنصر وقار و متانت و حقیقت بزرگی ندارد و به تعبیر دیگر کسی که دست به قدرت پیدا می‌کند، اگر قدرت حقیقی و باطنی باشد، وقتی بزرگ می‌شود، بزرگوار هم می‌شود، اما کسی که به قدرت ظاهری دست پیدا می‌کند و به ظاهر بزرگ می‌شود، باطن او بزرگوار نمی‌شود. در نتیجه کارهایی که خلاف بزرگواری است از او سر می‌زند. خداوند متعال قادر علی‌الاطلاق است، اما هرگز ستم نمی‌کند، امیرالمومنین علی علیه‌السلام مقتدر و قدرتمند بود، اما متواضع‌تر از او در عالم سراغ نداریم.

این مدرس خاج فقه و اصول افزود: کسانی که امروزه قدرت و حکومت را در این سرزمین بی‌تاریخ در قبضه دارند، احساس قدرت کاذب می‌کنند و از قدرت ظاهری برخوردارند، بی‌آنکه بفهمند این قدرت واقعی نیست و با این توهم که مقتدرند، گردن‌کشی می‌کنند و درصدد هستند که به همه عالم حتی به هم‌پیمانانشان، حتی به اروپایی‌ها نیز زور بگویند، حتی به دیگر کفار عالم، چه رسد به مومنین و مسلمانان جهان. این خاصیت قدرت کاذب و قدرت ظاهری است.

رئیس شورای حوزه‌های علمیه استان تهران در پاسخ به این سوال که چطور است بعضی از مسئولان و متولیان امور قبل از تصدی مسئولیت و قبل از تولیت سمت، انسان‌های صالح، عناصر سالم، افراد متواضع و فروتنی هستند، اما وقتی به مقام می‌رسند، آرام‌آرام شخصیت آن‌ها تغییر کرده و فکر و فعلشان نیز عوض می‌شود، گفت: مع‌الاسف در کشور خودمان نیز هستند، بی‌آنکه تصریح کنم به‌عنوان و سمتی، چراکه همه مخاطبان، شنوندگان، و بینندگان و خوانندگان این مطالب، خود به مصادیق منتقل خواهند شد و ضمیر مرجع خود را پیدا می‌کند. اینکه می‌بینیم افرادی صالح، سالم، متخلق، متعهد و حتی متعبد هستند، وقتی به قدرت می‌رسند، به‌تدریج تغییر می‌کنند، حتی به ضدخودشان بدل می‌شوند. ما مقامات و مسئولان کمی نداشتیم که در طول این‌مدت که افزون بر ۴۰ سال پس از پیروزی انقلاب اسلامی می‌گذرد، وقتی در جایگاه‌های مسئولیتی قرار گرفتند، در یک فرآیند پرشتاب شخصیتشان به ضدشخصیت قبلی‌شان تبدیل شد و گاهی هم از هر حیث کاملاً زیرورو شدند.

وی در ادامه خاطرنشان کرد: سرّ این مسئله در چیست؟ آیا این‌ها قبلاً هم فاسد بودند؟ قبلاً هم دارای این خصایل منفی بودند یا بعداً چنین شدند؟ بعید نیست که بعضی از این‌ها چنین بوده و نفاق ورزیده باشند! اما به‌نظر می‌رسد براساس کلام امیرالمومنین علیه‌السلام که اگر کسی که به قدرت برسد، گردن‌کش می‌شود، چون قدرتِ کاذب و ظاهری بوده و این قدرتی که به کف آمده با باطن فرد که حقیر است، هم‌افق نیست، پس آن باطن بروز پیدا می‌کند و این قدرت را ابزار طغیان، گردن‌کشی، غرور، خودبرترانگاری و خودبرتربینی و اعمال این خود برتری کاذب وا می‌دارد و این حالت را در برخی افراد به وجود می‌آورد.

رئیس پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی تصریح کرد: لذا نباید تعجب کرد که در صدر اسلام، کسانی که در زمره مسلمانانی بودند که در همان اوان و زمان آغاز بعثت در صدر اسلام، مسلمان شدند و در جنگ‌های مختلف در غزوات در کنار پیامبر اعظم شمشیر زدند، اما بعد به فرهنگ جاهلیت بازگشتند و عملاً و فکراً در مقابل اسلام و در مقابل آرمان‌ها و آموزه‌های نبوی قرار گرفتند و سعی کردند که تعالیم نبوی و اسلام آزادی‌بخش را نابود کنند و در فکر و فعل در مقابل اسلام ایستادند، هرچند که بعضی از آن‌ها مدعی تداوم مسیر پیامبر اعظم(ص) بودند و ادعای خلافت آن بزرگوار را داشتند.

آیت‌الله رشاد یادآوری کرد: در روزگار ما نیز بودند و هستند مقامات و مسئولانی که در مراتب و مناصب مختلف سمتی قرار گرفتند، ۱۸۰ درجه تغییر کرده و به جاهلیت قبل از انقلاب بازگشت کردند و حال آنکه پس از دستیابی به قدرت با حال آن‌ها پیش از قدرت، دچار چرخش ۱۸۰ درجه متفاوت است و حتی گاه در مقابل آرمان‌های انقلاب موضع گرفته و انسان از این چرخش شگفت‌زده می‌شود! این مسئله به جهت اصل روان‌شناسی قدرت است که وقتی به قدرت کاذبِ ظاهری کسی دسترسی پیدا می‌کند، در حالی که باطنش مقتدر نیست، ظاهر بزرگ است، ولی باطن بزرگ نیست. بزرگ شده‌اند، اما بزرگوار نیستند، در نتیجه به هنجارشکنی، شالوده‌شکنی و تقابل با انقلاب، اخلاق و تعالیم دینی که پیش‌تر مروج و مدافع آن‌ها بوده‌اند، دست می‌زند.

رئیس پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی گفت: یک تذکر در پایان عرض کنم و آن اینکه در جامعه‌شناسی مبحثی است با عنوان «چرخش نخبگان». برخی تحلیلگران می‌خواهند چرخش‌هایی را که برخی چهره‌ها در فرایند ۴۰سال گذشته بدان مبتلا شده‌اند، به اصل جامعه‌شناسی چرخش نخبگان تطبیق بدهند و این یک اشتباه بزرگ است، زیرا آنچه در این دوره و در کشور رخ می‌دهد، نوعاً مصداق «چرخش چهره‌هاست» نه « چرخش نخبگان»، چون اکثریت چشمگیر نخبگان کشور پای آرمان‌های انقلاب ایستاده‌اند و اکثریت افراد دچار دگردیسی و چرخش مصداق نخبه نیستند، آن‌ها فقط چهره‌اند؛ یعنی به‌دلیلی مشهور، شهره و چهره‌اند، نه نخبه و فرهیخته.